

۹۴ - ۹۱۱
۱۳۰۹۳۱

سید حسین موسویان

ایران و امریکا

گذشته شکست خورده
و مسیر آشتی



انتشارات نیسا

با همکاری: شهیر شهید ثالث
برگردان: محمدرضا رضایی پور

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم

سرشناسه	:	موسویان، سید حسین، ۱۳۳۶-
عنوان و نام پدیدآور	:	ایران و امریکا؛ گذشته شکست خورده و مسیر آشتی / نویسنده: سید حسین موسویان
مشخصات نشر	:	تهران: تیس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۵۰۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱.
فروست	:	کتاب گفت و گو؛ ۹.
شابک	:	۴۰۰۰۰ ریال؛ 3-81-7212-600-978
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا.
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	ایران - روابط خارجی - ایالات متحده.
موضوع	:	ایالات متحده - روابط خارجی - ایران.
موضوع	:	ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۵۸-۱۳۷۶.
موضوع	:	ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۷۶-.
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ م ۷۸ الف ۹ / ۱۳۹ DSR
	:	[E ۱۸۳/۸ الف ۹]
رده بندی دیویی	:	۳۲۷/۵۵۰۷۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۶۲۸۶۲۵

ایران و آمریکا؛ گذشته شکست خورده و مسیر آشتی

نویسنده: سیدحسین موسویان

مدیر تولید: سمیه سیاه‌پست

چاپ یکم: بهار ۱۳۹۴

شماره نشر: ۱۸۲

ویراستار: مهری تقی‌پور؛ نمونه‌خوان: فاطمه شهبازی

صفحه‌آرا: فهیمه علیجانیها

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: علی کاتب

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۲-۸۱-۷

همه حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرارداد محفوظ است.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

استفاده از مطالب با ذکر منبع بدون اشکال است.

• انتشارات تيسا

تهران، بهارستان، ظهیرالاسلام، کوچه دیلمان، شماره ۶، واحد ۳.

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۹۹۴۲۳، ۳۳۹۹۹۴۷۰، iteesa@mail.com

وبسایت: www.teesa.ir

فهرست

۱۵	پیش‌درآمد
۱۹	درآمد
۳۱	مقدمه نویسنده
۳۱	پر کردن یک شکاف
۳۸	اختلاف نظر
۳۹	کشمکش از دید تهران
۴۱	موانع
۴۶	ساختار کتاب
۵۳	پی‌نوشت‌ها
۵۵	فصل نخست: رابطه ایران و آمریکا؛ از دوستی تا دشمنی
۵۶	روابط صمیمانه (۱۳۳۲-۱۳۳۵)
۵۷	قهرمانان امریکایی ایران
۶۰	حمایت از ایران در برابر حکومت بریتانیا
۶۲	کمک آمریکا به ساخت ایرانی مدرن
۶۵	آغاز دوران سلطه آمریکا بر ایران (۱۳۳۲-۱۳۵۷)
۶۵	نقطه انحراف
۶۸	ایالات متحده؛ شریک استبداد
۷۲	شاه؛ ژاندارم آمریکا در منطقه
۷۳	پایان سلطنت پهلوی

۷۸	 عصر خصومت
۷۹	 دیدگاه امریکایی
۸۱	 دیدگاه ایران
۸۲	 براندازی
۸۳	 تحریم‌ها
۸۶	 جنگ پنهان
۸۹	 اقدامات نظامی
۹۰	 پشتیبانی از تهاجم منطقه‌ای علیه ایران
۹۱	 جنگ سایبری
۹۳	 سوءبرداشت
۹۹	 درک نقش روحانیت در سیاست ایران
۱۰۵	 پی‌نوشت‌ها
۱۱۳	 فصل دوم: بحران گروگان‌گیری؛ بی‌اعتمادی و سوء تفاهم
۱۱۳	 حادثه
۱۲۱	 بی‌اعتمادی، درک غلط و تحلیل نادرست
۱۳۲	 ظهور افسانه دشمن
۱۳۴	 خاتمه گروگان‌گیری افسانه‌ای
۱۴۱	 پی‌نوشت‌ها
۱۴۵	 فصل سوم: دهه جنگ و تثبیت انقلاب (۱۳۶۸-۱۳۵۹) پیوستن به انقلاب
۱۵۶	 حمله عراق به ایران
۱۶۳	 بدبینی و دشمنی متقابل بین ایران و همسایگان عرب
۱۶۹	 ایران - کنترا
۱۷۳	 ایالات متحده و جنگ اعلام‌نشده علیه ایران
۱۷۶	 زخم کهنه
۱۸۲	 جام زهر
۱۸۶	 پی‌نوشت‌ها
۱۹۱	 فصل چهارم: ریاست جمهوری یک عمل‌گرا (۱۳۷۶-۱۳۶۸)
۱۹۱	 برآمدن آیت‌الله خامنه‌ای
۱۹۵	 آغاز عصری جدید

۱۹۹	عهدشکنی امریکا و ناکامی رفسنجانی
۲۰۹	دو مرد، دو دیدگاه
۲۱۱	ادامه ناامیدی‌ها
۲۱۷	فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی
۲۱۹	مذاکره ایران و غرب
۲۲۷	میانجی‌گری در بالاترین سطح
۲۳۸	میکونوس و ماورای ماجرا
۲۴۴	پی‌نوشت‌ها
۲۵۳	فصل پنجم: خیزش جنبش اصلاحات در ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۶)
۲۵۶	بازگشت اروپایی‌ها
۲۵۷	خاتمی و پیشنهاد گفت‌وگو
۲۶۱	کلینتون در جست‌وجوی مصالحه، اما سردرگم
۲۶۵	ایران آماده حمله به افغانستان
۲۶۸	تلاش شجاعانه مادلین البرایت
۲۷۴	چرا آیت‌الله خامنه‌ای به مذاکره و رابطه با ایالات متحده نه می‌گوید؟
۲۷۹	۱۱ سپتامبر و ماه غسل کوتاه‌مدت
۲۸۵	موضوع مشکوک کارین آ و محور شرارت
۲۹۰	پریشان‌کننده‌ترین افشاگری
۲۹۴	انعطاف‌ناپذیری ایران در پیگیری برنامه هسته‌ای
۳۰۰	آیا دلیلی برای سوءظن امریکا وجود داشت؟
۳۰۳	مخالفت امریکا و اسرائیل با برنامه هسته‌ای ایران
۳۱۰	چرا آیت‌الله خامنه‌ای تعلیق را نپذیرفتند؟
۳۱۳	عراق ۱۳۸۲ و محاسبه غلط ایالات متحده
۳۲۰	پیشنهاد ایران: «خیلی خوب است، اگر واقعیت داشته باشد!»
۳۲۷	من درست می‌گفتم و جان ساورز، نه!
۳۳۵	پی‌نوشت‌ها
۳۴۵	فصل ششم: پایان شانزده سال میانه‌روی
۳۴۵	ظهور اصول‌گرایان
۳۵۱	مشاجرات علیه میانه‌روها
۳۵۳	ایران موضعی تهاجمی برمی‌گزیند

۳۵۵	احمدی نژاد کجا ایستاده بود؟
۳۶۱	جورج دبلیو. بوش و محمود احمدی نژاد
۳۷۰	پرونده جاسوسی
۳۸۷	بزرگ‌ترین بحران داخلی پس از انقلاب
۳۸۹	تحلیل‌های غلط در تهران و واشینگتن
۳۹۹	پی‌نوشت‌ها

۴۰۵	فصل هفتم: دو دیدگاه دربارهٔ منازعات اصلی
۴۰۵	تروریسم
۴۰۶	دیدگاه آمریکایی / غربی به نقش ایران در تروریسم
۴۰۶	بمب‌گذاری در مقر سربازان نظامی در بیروت
۴۰۶	بمب‌گذاری برج خیر
۴۰۷	ترور مخالفان در اروپا
۴۰۷	حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی لبنانی و فلسطینی
۴۰۷	بمب‌گذاری انتحاری در اسرائیل
۴۰۹	حمایت گروه‌های تندرو در افغانستان و عراق
۴۱۰	تلاش برای آدم‌کشی در خاک ایالات متحده
۴۱۳	دیدگاه ایران
۴۱۶	جنبش ضداسرائیلی
۴۱۷	مأموریت مخفی در جده و بمب‌گذاری خُبر
۴۲۴	منشأ منازعات؛ کشمکش ایران و اسرائیل و فرایند صلح خاورمیانه
۴۳۱	همکاری، عدم مداخله و صلح
۴۳۳	دربارهٔ حقوق بشر
۴۳۸	پی‌نوشت‌ها

۴۴۵	فصل هشتم: نقشهٔ راه صلح
۴۴۵	کالبدشکافی منازعهٔ ایران و آمریکا
۴۵۱	چرا صلح بین ایران و آمریکا ضروری است؟
۴۵۸	صلح بین ایران و آمریکا گزینه‌ای عقلایی
۴۶۳	عواملی کلیدی در جهت بهبود روابط
۴۶۳	بی‌اعتمادی متقابل
۴۶۴	تفاوت در گفتار و عمل

۴۶۴	فقدان حسن نیت متقابل از سوی امریکا.....
۴۶۵	زبان زور و تهدید و نادیده گرفتن غرور ملی ایرانی ها.....
۴۶۷	عوامل خرابکار در روابط.....
۴۶۷	نقشه راه.....
۴۷۲	گام نخست: ختم جدال هسته ای.....
۴۷۴	گام دوم: بسته کلان.....
۴۷۸	۱. تروریسم.....
۴۷۹	۲. حقوق بشر.....
۴۸۰	۳. سلاح های کشتار جمعی.....
۴۸۱	۴. فلسطین.....
۴۸۳	۵. امنیت خلیج فارس.....
۴۸۴	۶. عادی سازی روابط.....
۴۸۷	پی نوشت ها.....
۴۹۱	سخن آخر.....
۴۹۴	پی نوشت.....
۴۹۵	نمایه.....

پیش درآمد

در کتاب پیش رو، تلاش‌های آقای دکتر سیدحسین موسویان در جمع‌آوری مطالب در زمینه سیاست خارجی ایران و غرب و به‌ویژه امریکا ستودنی است که می‌توان آن را یکی از منابع اصلی پژوهش‌های آینده در این حوزه دانست. اگرچه آقای موسویان با خود «یک سینه سخن دارد»، ولی گفته‌های ایشان در این کتاب ممکن است در دیدگاه خواننده عادی و همچنین خواننده پیگیر مسائل سیاست خارجی به طور اثربخش تغییر ایجاد کند. فضایی پرتلاش و پرهیجان با هدف آزمایش راه‌حل‌های معطوف به حفظ دستاوردهای انقلاب و منافع ملی و ناگهان بی‌نتیجه ماندن همه آن تلاش‌ها، از جمله جذابیت‌های روایت او از ۳۵ سال گذشته است.

همان‌گونه که از عنوان کتاب پیدا است، این کتاب بازتاب نوع نگاه از داخل ایران به رابطه ایران و امریکا و صادقانه بگویم جانب‌دارانه نیز است. ولی آنجا که به تأثیر عوامل سومی در ناکام ماندن تلاش‌های دو سوی ماجرا اشاره می‌کند، عبرت‌آموز، موشکافانه و از منظر خواننده ایرانی وطن‌پرست مایه تأسف و برای آینده موجب نگرانی است.

روایت موسویان از وقایع سال‌های ابتدایی انقلاب به‌ویژه درگیری‌های سال‌های نخست انقلاب و منشأ جنگ ایران و عراق و همچنین انتخابات سال ۱۳۸۸ کامل نیست؛ زیرا موضوع کتاب نبوده است. به عبارت دیگر، به دلیل

آنکه این کتاب در صدد متقاعد کردن خواننده خارجی به ویژه خواننده آمریکایی به حقانیت ایران است، این وجه از روایت ایشان را می توان از منابع کامل تری در داخل ایران جست و جو کرد.

تلاش آقای موسویان طی سال های گذشته در جهت حفظ منافع جمهوری اسلامی و دفاع از ارزش های انقلاب، ایشان را در زمره معدود افرادی قرار می دهد که باور خود را شجاعانه و در جهت هدف تعیین شده تعقیب می کنند. ایشان سال هاست بر برقراری رابطه کامل با ایالات متحده برای ارتقای منافع جمهوری اسلامی اصرار می ورزد و هرگز در تعقیب این هدف اسیر سیاسی کاری یا مصلحت اندیشی های رایج در سیاستمداران ایرانی نشده است. به همین دلیل، پژوهش ها و نوشته های ایشان را می توان با خاطری آسوده خواند و به دور از سیاسی کاری های رایج ارزیابی کرد.

عموماً جامعه ایران سیدحسین موسویان را به عنوان سفیر سابق ایران در آلمان و سخنگوی مذاکرات های هسته ای ایران در دولت خاتمی می شناسند که بعدها احمدی نژاد ایشان را به جاسوسی متهم و سپس سه قاضی رسیدگی کننده به پرونده وی را از این اتهام تبرئه کردند.

به جرئت می توان گفت که ایشان در تاریخ معاصر سیاست ایران تنها سیاستمداری است که توانست در سطح معتبرترین رسانه های جهان به طور بسیار وسیع، گسترده و شیوا از منافع ایران دفاع کند. او با صدها مقاله، مصاحبه و سخنرانی و نیز کتاب جامع خود درباره بحران هسته ای، توانست «ادبیات هسته ای» ایران را در سطح جهانی تعریف و معرفی کند. در واقع، یکه تاز سیاستمداران ایران در صحنه دیپلماسی عمومی در سطح جهانی است که توانست با فعالیت های گسترده خود در سطح افکار عمومی جهان، «سیاست عمومی» را برای مسئولان ایران معنا کند.

آقای موسویان تاکنون کتاب های متعددی به رشته تحریر درآورده است، ولی کتاب **بحران هسته ای ایران** از جایگاه ویژه جهانی برخوردار است. امید است کتاب حاضر بعد جدیدی از ایشان را به عنوان یک نویسنده در جامعه فراهم کند.

وضعیت حاضر در منطقه، اهمیت دوراندیشی و تدبیر در اتخاذ تصمیم‌های جدید در حوزه سیاست خارجی به‌ویژه در رابطه با امریکا و نیاز به ترتیبات جدید امنیتی همه بر اهمیت مرور وقایع ۳۵ سال گذشته بین ایران و غرب می‌افزاید و این کتاب بخش مهمی از تجربیات گذشته را پیش رو می‌نهد.

محمد رضا رضایی‌پور

حسین موسویان دوست بسیار خوبی است. او در این کتاب نظریات و ارزیابی‌های قابل تأملی را گرد آورده است. نظریات و ارزیابی‌هایی که ممکن است با تمام آن موافق نباشیم. من حدود چهار سال پیش یا بیشتر او را در جریان بحث جذابی ملاقات کردم که به شکل مفصل آن را در این کتاب آورده است؛ یعنی، حادثه برج‌های خبر در عربستان سعودی. ما بارها همدیگر را به مناسبت‌های مختلف در دانشگاه پرینستون ملاقات و بعدها نیز در جلسات کنفرانس‌ها و پلتفرم‌ها به اتفاق هم شرکت کرده‌ایم.

ما درباره بسیاری از مسائل چشم‌درچشم هم نگریستیم تا به‌ویژه راهی برای مذاکره ایران و آمریکا پیدا کنیم. حسین همواره یک مذاکره‌کننده فوق‌العاده ارزشمند برای درک بهتر قانون‌گذاران ارشد آمریکایی و رهبران ارشد اجرایی واشینگتن از مواضع ایران بوده است. ما این فرصت را داشته‌ایم تا با همدیگر بحث کنیم و درباره رویکردهای مختلف و مسائلی فکر کنیم که ایران و ایالات متحده را در تماس نزدیک‌تر قرار دهد و پاسخ مسائلی را بیابیم که با آغاز بحران هسته‌ای ایران، آن دو را از هم دورتر کرده است.

درحالی‌که افراد بسیاری در این فرایند مشارکت داشته‌اند، ولی در اختیار داشتن حسین در ایالات متحده یک امتیاز فوق‌العاده است؛ زیرا او مقالات بی‌مانند و پراهمیتی را درباره خطای سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران منتشر کرده است.

حسین توانسته است بینش، جزئیات تاریخی و ارزیابی صادقانه‌ای از دیدگاه یک ایرانی ارائه دهد که قطعاً به کاهش شکاف و گشودن باب مذاکرات کمک خواهد کرد.

رابطه ایران و آمریکا در دهه گذشته احتمالاً به مرکز مهم‌ترین دغدغه‌های روابط خارجی هر دو کشور تبدیل شده است. ۳۴ سال قهر به عنوان مشخصه اصلی رابطه، آن را به رابطه‌ای همراه با بی‌اعتمادی و سوء تفاهم تبدیل کرده است. هر دو کشور نقش خاص خود را در مسائل بین‌المللی بازی می‌کنند.

ایران یک قدرت اصلی منطقه‌ای، تولیدکننده مهم نفت، دولتی مسلمان و قدرت مهم اسلامی در منطقه‌ای است که اسلام شیعی نقش برتر را دارد. آینده خاورمیانه بسیار به ایران و نقش این کشور وابسته است؛ همان‌گونه که به مصر، عربستان سعودی و اسرائیل نیز ارتباط دارد.

ایالات متحده قدرتی جهانی است. موقعیت امنیتی، قدرت اقتصادی و اتکای سستی به اندیشه‌ها و اصولی که از سال ۱۷۷۶ راهنمای عمل این کشور بوده است، همگی منبع نفوذ منطقه‌ای و جهانی او هستند. هر دو طرف همراه دیگران نقش حیاتی در آینده خاورمیانه بازی خواهند کرد.

این کتاب در پی نشان دادن و برجسته کردن دلایلی است که در بالا اشاره شد تا بگوید چگونه و چرا روابط به این نقطه رسیده است.

نویسنده این کتاب نقش خاصی در واشینگتن، نیویورک و بسیاری از شهرهای اروپا بازی کرده است تا درک بهتری از ایران به ما بدهد. حسین موسویان به عنوان سیاست‌مدار ایران در آلمان، مقامی ارشد در تهران و یک رهبر در جنبش انقلابی ایران که درصدد عرضه دیدگاه‌ها و انجام اصلاحات این کشور است، زمانی که درباره مسائل کلیدی سخن می‌گوید، سزاوار توجه بیشتری است. ما با همه آنچه می‌گوید موافق نیستیم، ولی باید از دیدگاه او آگاه باشیم و آنها را مورد توجه قرار دهیم و بدانیم با چه چیز موافق و با چه چیز مخالف هستیم و از این نظریات برای شکل دادن به مسیری سازنده به سوی آینده روابط با ایران کمک بگیریم.

در چند جمله آینده، تلاش خواهیم کرد تا این کتاب را جلو دیدگانمان

قرار دهم و برخی افکار و ایده‌هایی را که می‌تواند در پیشبرد مناسبات آینده دو کشور قابل درک‌تر و حتی امکان‌پذیرتر باشد، با شما در میان بگذارم. من سال‌های زیادی را صرف بررسی مسائلی همچون برنامه هسته‌ای کرده‌ام که موجب اختلاف بین ایالات متحده و دیگران با ایران شده است. نتیجه مهم اینکه برای درک متقابل و پیشرفت روابط بین ایران و ایالات متحده، وجود تماس‌های مستقیم بین طرف‌های درگیر بر سر مسائل مختلف به‌ویژه بین ایران و ایالات متحده بسیار اساسی است. بنابراین، همان‌گونه که برای به نتیجه رساندن توافق‌نامه اقدام مشترک ۳ آذر ۱۳۹۳ مبادرت به چنین کاری شد، برای به نتیجه رسیدن مذاکرات جاری هسته‌ای و رسیدن به یک موافقت‌نامه جامع نیز باید چنین کاری بشود.

بیش از ۳۰ سال بی‌اعتمادی، تماس‌های پراکنده و سوء تفاهم ایران و امریکا را از هم جدا کرده است. این کتاب در جست‌وجوی رفع نارسایی‌های گذشته از منظر ایران است. بسیار مهم است بدانیم دو طرف چگونه به نیات و افکار یکدیگر می‌نگرند.

واقعیت این است که هیچ توافق کاملی که تمام خواسته‌های هر دو طرف را تأمین کند، نمی‌تواند صورت گیرد، ولی لوازم دستیابی به ترتیباتی که از رهگذر آن ایران بتواند برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود را دنبال کند و اعتماد ایالات متحده و دیگران جلب شود و آنها بپذیرند که برنامه اتمی ایران صلح‌آمیز و برای مصارف غیرنظامی است و هرگز به سوی استفاده در سلاح اتمی منحرف نخواهد شد، فراهم شده است.

چنین اتفاقی نیازمند عقب‌گرد ناشی از شک عمیق متقابل خواهد بود که سال‌ها منشأ دوره طولانی بی‌اعتمادی و سوء تفاهم ایران نسبت به نیت امریکا در جهت تغییر رژیم این کشور بوده است و همان‌گونه که در این کتاب خواهید دید، ایرانی‌ها در ذهن خود شواهدی برای این بی‌اعتمادی نیز دارند.

از سوی دیگر، براساس عواملی که در این کتاب به آن اشاره شده است، به شک و تردیدهایی در امریکا دامن زده می‌شود که در این کتاب مطرح و من نیز به طور خلاصه به آنها اشاره خواهم کرد. این تردیدها درباره دلایلی است که

آنها فکر می کنند، هدف واقعی ایران ساخت سلاح اتمی بوده است. بخشی از نظر هر دو طرف بر مبنای شواهد و بخشی ناشی از نوع تفکر و ارزیابی بر این اساس است: «اگر من جای او بودم، چه کار می کردم».

در حال حاضر، به نظر می رسد در رابطه با مسئله هسته ای دو نتیجه محتمل است. نخست اینکه، به نظر می رسد جوامع اطلاعاتی امریکا و اسرائیل به این نتیجه رسیده اند که بر اساس شواهد قوی که در اختیار دارند، ایران هیچ تصمیمی برای ساخت سلاح اتمی ندارد. دوم اینکه، روشن شده است نحوه اقدام ایران برای کسب این فناوری، اطلاعات و سخت افزارها نشان می دهد که چنین تصمیمی باید گرفته می شده است.

حالا اجازه دهید چند کلامی درباره تفسیرم از این کتاب و پیام آن بنویسم. موسویان آنچه از رهگذر خدمت طولانی خود در دولت ایران درک کرده، با آنچه طی پنج سال در دانشگاه پرینستون درباره عقاید و برداشت های امریکا نسبت به ایران و برنامه هسته ای اش آموخته، بسیار خوب تلفیق و راهکار عرضه کرده است.

سیاستمداران وقت بیشتری را صرف شنیدن می کنند تا حرف زدن. این اساس حرفه آنهاست تا بدین وسیله آنچه را طرف مقابل می گوید بفهمند و بدانند چگونه وظیفه خود را برای رسیدن به راه حل مسائل و منازعات دنبال کنند. به نظر من گوش دادن برای یک سیاستمدار بسیار حیاتی است؛ بنابراین، برای تعامل با دیگران — چه در داخل و چه در خارج — بیشتر وقت او باید صرف این کار شود.

این کتاب نیز نخستین و معتبرترین کتاب برای شنیدن سخن نویسنده و فهمیدن دیدگاه های او و مهم تر سخنانی است که او درباره ایران و تلقی هایش درباره چگونگی روابط این کشور با امریکا می گوید. ولی گوش دادن هم کار سختی است. شنیدن به معنای تلاش برای درک واقعیت و محتوای آن کلماتی است که می شنوید یا می خوانید. در برخی موارد این دو با هم یکی نیست. کسانی که درگیر مذاکره اند، اغلب می پندارند که آنچه آنها به آن باور دارند بهترین دیدگاه ها و رویکردها است. ولی با تحلیل دقیق عقاید می توان حدس

زد که چه اهداف مهمی فرای آن وجود دارد و چگونه می‌توان با درک دقیق آن به رویکردی دست یافت که به درک متقابل و درنهایت به توافق منتهی شود.

بخشی از آنچه موسویان برای ما نوشته است، به وضوح از این چالش نشئت می‌گیرد و من این موضوع را به عهده خواننده می‌گذارم که چالش را بفهمد و خود قضاوت کند. من نمی‌گویم با همه آنچه در این کتاب آمده است موافقم، ولی می‌گویم هم برای درک اینکه ایرانی‌ها چگونه مسئله را می‌بینند و هم برای اینکه بدانیم چگونه باید با آنها معامله کنیم، بسیار حیاتی و اساسی است.

اساس درک مسئله هسته‌ای، آن‌گونه که من بررسی کرده‌ام، تفاوت دیدگاهی است که بین ایران و آمریکا بر سر تفسیر معاهده ۱۹۶۶، یعنی معاهده عدم اشاعه (ان‌پی‌تی) وجود دارد. ایران معتقد است که این معاهده هر اقدامی را که به انحراف مواد هسته‌ای به سمت تولید سوخت سلاح هسته‌ای منجر نشود، مجاز می‌داند. این دیدگاه مورد توافق بسیاری از دولت‌هاست. اقدامات هسته‌ای بر مبنای این استدلال صورت گرفته است؛ به‌ویژه اقدامات فناوری‌های حساس یا با کاربرد دوگانه با اهداف غیرنظامی یا با اهداف صلح‌آمیز مدنی. مثال‌هایی از این دست عبارتند از تولید اورانیوم با خلوص بالا به منظور مصرف در راکتورهای تحقیقاتی و راکتور نیروی محرکه کشتی. از نظر من، مثال کمی خطرناک‌تر، بازفراوری سوخت مصرف‌شده هسته‌ای است که با هدف جداسازی پلوتونیوم صورت می‌گیرد. استدلال این است که این فرایند نه تنها روشی عالی برای کاهش مقدار کل مواد بسیار خطرناک در پسماند سوخت به روشی ایمن است، بلکه از دیدگاه عدم اشاعه اجازه می‌دهد این مواد با ترکیب اکسیژن به عنوان سوخت در راکتور سوزانده و به این ترتیب توانایی سوخت آن نیز استحصال شود. درواقع، ممکن است ملاحظات زیست‌محیطی استفاده از چنین فرایندی را توجیه کند و مانع از دفن این ماده در زیر زمین نشود. ولی هزینه این سوخت به دلیل فراوری آن چنان زیاد است که آن را در مقایسه با سایر سوخت‌ها در درازمدت غیررقابتی می‌کند؛ بنابراین، تولید اورانیوم برای استفاده از فراوری پسماند سوخت آن به‌منظور به کارگیری به عنوان سوخت در

درازمدت غیراقتصادی است. ولی اورانیوم با خلوص پایین خطر کمی دارد یا اصلاً برای تکثیر سلاح اتمی خطری ندارد.

در سوی دیگر ماجرا، جای خوشحالی است که در توافق موقتی که تحت نام «اقدام مشترک» حاصل شده است و در توافق جامعی که در نهایت مورد توافق ایران و طرف‌های مذاکره‌کننده قرار خواهد گرفت، مبنای این خواهد بود که هر آنچه صلح‌آمیز باشد، مجاز و آنچه صلح‌آمیز تلقی نشود، غیرمجاز خواهد بود.

این دیدگاهی است که به وضوح در نخستین رویکرد به این مسئله به کار گرفته شده و امری است که به شکل آشکار با این دیدگاه هم‌خوانی دارد که فعالیت‌هایی که بخشی از یک برنامه صلح‌آمیز نباشد، نمی‌تواند با ویژگی‌ها و محتوای معاهده عدم تکثیر هم‌خوانی داشته باشد. این موضوع می‌تواند بخشی از تفاوت مهم در دیدگاه‌ها باشد، ولی می‌توان بر سر آن مصالحه کرد تا دستیابی به یک توافق کلی امکان‌پذیر شود.

مسئله دوم اتخاذ رویکرد تاکتیکی در پاره‌ای از موارد است. ایالات متحده این دیدگاه را پذیرفته است که خروجی تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند تا حد معینی از غنی‌سازی را داشته باشد، البته بازفراوری مجاز نیست. بهترین هدف‌گذاری این است که «زمان گریز» در صورت تغییر احتمالی سیاست ایران در آینده از سیاست استفاده صلح‌آمیز به سیاست ساخت سلاح‌های اتمی طولانی شود. موافقت‌نامه موقت «اقدام مشترک» دوره زمانی تولید ماده اولیه بمب هسته‌ای را از حدود چهار تا شش هفته به حدود سه تا چهار ماه افزایش داده است. این دوره زمانی باید در مذاکرات به بحث گذاشته شود، ولی پیش‌بینی یک زمان تخمینی هم کار مطلوبی است.

ولی ایران بر این باور است که این موضوع هدف مذاکره آنها نیست، بلکه معتقد است توافق باید درباره نیازهای عملی حال و آینده ایران باشد که از طریق بازرسی‌های سخت‌گیرانه و پایدار توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نگرانی‌ها برطرف و اجرای آن تضمین شود.

در صورتی که هر دو طرف درباره یافتن رویکردی مشترک جدی باشند —

که به اعتقاد من چنین است — می‌توان گفت راه‌حلی برای موافقت وجود دارد. آنچه این رویکرد را به موفقیت نزدیک‌تر می‌کند، این است که چگونه خواهیم توانست بین «زمان گریز» و نیازهای کمی و کیفی واقعی ایران تعادل و هماهنگی به وجود آوریم. برنامه‌ای که توسط آژانس به شکل سخت‌گیرانه نیز بازرسی شود.

مسئله سوم به افق آینده مذاکرات بستگی دارد که با دقت و به شکلی سازنده باید در آن نگریم. ایران به دلیل غرور ملی و احتمالاً به دلایل دیگر محدودیت بر سر برنامه غنی‌سازی را هرگز نخواهد پذیرفت و به تخریب سانتریفیوژها و تجهیزات مرتبط در برنامه اتمی رضایت نخواهد داد. درحالی‌که از نظر من، راه مطمئن‌تر و بهتری وجود دارد و آن اینکه بخشی از تجهیزات به جای تخریب انبار و روغن‌کاری شوند و اتصالات آن نیز قطع شود تا بدین وسیله اهداف هر دو سوی مذاکره تأمین شود. یعنی، برنامه محدود غنی‌سازی ایران که بتواند هم نیازهای غیرنظامی این کشور را مرتفع کند پیگیری شود و هم «زمان گریز» را طولانی‌تر کند. تأسیسات ریززمینی فردو هم برای اهداف تحقیقات و توسعه در نظر گرفته شود.

با نگاه به آنچه اتفاق خواهد افتاد، به نظر می‌رسد بعید است در یک توافق جامع احتمال نقض معاهده‌ان‌پی‌تی به دلیل اتمام دوره غنی‌سازی در سطح ۵ درصد و امکان غنی‌سازی سطح بالا مورد توجه قرار گیرد. ضمن اینکه درحالی‌که مسائل اتمی در مرکز اختلافات کنونی با ایران است، ولی اینها تنها مسائلی نیستند که به توجه نیاز دارند، بلکه در حال حاضر، دو طرف توافق کرده‌اند که مسئله اتمی در مرکز مذاکرات جاری برای رسیدن به یک توافق جامع باشد. اگر مذاکرات اتمی موفقیت‌آمیز باشد، مسائل دیگری که در این کتاب نیز به آن اشاره شده است، باید مورد توجه قرار گیرند.

در میان آن‌ها، مسائل منطقه‌ای جای دارد که شامل افغانستان می‌شود و درباره آن دیدگاه مشترک بین ایران و آمریکا وجود دارد. هر دو طرف مخالف طالبان هستند و به رسمیت شناختن نقش همه گروه‌ها از جمله هزاره‌های شیعه را ضروری می‌دانند. هر دو در جست‌وجوی حاکمیت یکپارچه و مستقل

افغانستان هستند که روابطی صلح آمیز با همسایگان و نقش سازنده‌ای در منطقه داشته باشد. مشابه همین دیدگاه مشترک درباره عراق نیز وجود دارد، با این تفاوت که حقوق سنی‌ها و اقلیت کرد باید تأمین شود. مسئله سوریه شکاف بزرگی در دیدگاه ایران و امریکا است، ولی درباره سوریه هر دو بر این موضوع توافق دارند که سنی‌های افراط‌گرا و سازمان‌های تروریستی تهدیدی علیه سوریه و آینده منطقه هستند.

علاوه بر اینها، مسائل دیگری نیز درباره دلایل بی‌اعتمادی‌های متقابل وجود دارد که باید به آن توجه شود؛ تغییر رژیم، سرنگونی محمد مصدق، نقش منطقه‌ای ایران، نحوه برخورد با هدف قراردادن هواپیمای غیر نظامی ۶۵۵ در سال ۱۳۶۷ توسط ناو هواپیمایی وینسنس، گروگان‌گیری سفارت امریکا و پول‌های باقیمانده از رژیم شاه در امریکا. در صورتی که همه چیز به خوبی پیش برود، ایران و امریکا به چه شکل می‌توانند راهی برای روابط نزدیک‌تر و در آخر از سرگیری روابط کامل سیاسی بیابند؟

تجربه من به عنوان مذاکره‌کننده‌ای از سوی امریکا این است که تقریباً بیشتر وقت مذاکرات من با واشینگتن، دوستان و متحدان این کشور صرف شده است تا طرف‌های مذاکره‌کننده روی میز مذاکره. البته تردیدی نیست که بخشی از این زمان، صرف بحث بر سر رویکرد ایالات متحده درباره ایران بوده است، درحالی‌که من نمی‌توانم از طرف ایران سخن بگویم. این کتاب هم شواهد درست بودن همین مشکل نزد ایرانیان را نشان می‌دهد.

مسئله‌ای که حالا به مرحله مهمی رسیده است، سطح غنی‌سازی است که ایران می‌تواند در آینده به عنوان برنامه صلح آمیز و غیرنظامی دنبال کند. درباره این مسئله قلم‌فرسایی‌ها و سخنان فراوانی ردوبدل شده است. نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، بسیاری از دوستان کلیدی عرب و گروه قابل توجهی از اعضای کنگره همگی در این مجادله درگیر شده و به نفع «غنی‌سازی صفر» در ایران رأی داده‌اند.

اگر نه همه، ولی بیشتر امریکایی‌های درگیر در این فرایند بر این باورند که غنی‌سازی صفر مطلوب‌ترین سناریو است. ولی تعدادی نیز بر این باورند که با

توجه به هزینه اقدامات ایران در برنامه هسته‌ای غنی‌سازی، هیچ اهرم فشاری نمی‌تواند به هدف غنی‌سازی صفر درصد دست یابد. آنها این سناریو را مطرح می‌کنند که غنی‌سازی محدود تحت بازرسی آژانس، رویکرد قابل قبولی برای دستیابی به توافق جامعی است.

واقعیت این است که سناریو غنی‌سازی صفر منطقی نیست. یکی از آن دلایل این است که بپذیریم فن غنی‌سازی در ایران وجود دارد و دیگر خارج کردن این مهارت از سر دانشمندان و متخصصان ایرانی و از بین بردن تجربه‌های آنها امکان‌پذیر نیست. بنابراین، در صورتی که مشتاق سیاست غنی‌سازی صفر از منظر سخت‌افزاری و عملیاتی باشیم، پاسخ مناسبی دریافت نخواهیم کرد.

در چنین سناریویی دو چیز ممکن است اتفاق بیفتد:

نخست اینکه بعید است چنین سیاستی دستیابی به غنی‌سازی صفر را امکان‌پذیر کند؛ زیرا یکی از الزامات رسیدن به چنین هدفی سخت‌تر شدن بازرسی‌هایی است که با استانداردهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطابقت داشته باشد که این مهم بدون امضای پروتکل الحاقی ممکن نیست. در چنین شرایطی ممکن است ایران گزینه برنامه‌های مخفی را انتخاب کند و به آن سو متمایل شود. چیزی که شواهد آن از گذشته نیز وجود دارد.

دوم اینکه بدون یک برنامه بازرسی متداوم، کشف فعالیت‌های مخفی بسیار مشکل‌تر خواهد شد؛ زیرا پس از آن امکان رؤیت انتقال افراد، اطلاعات، یا تجهیزات از یک برنامه علنی به یک برنامه مخفی وجود ندارد.

بسیار مهم خواهد بود که هر چه در توان داریم، انجام دهیم تا بازرسی‌ها و پایش تأسیسات ادامه یابد تا از زیرزمینی شدن چنین تلاش‌هایی — چه واقعی و چه مجازی — جلوگیری شود. جاسوسی صرف و همچنین سایر ابزارهای فنی ارائه شده در جنگ سرد بین آمریکا و شوروی توانست قطعی بودن کشف هرگونه تلاش در جهت رفتن به مسیرهای مخفی را تضمین کند.

علاوه بر این، بسیار حائز اهمیت است که به دیدگاه چندجانبه کردن غنی‌سازی در ایران (کنسرسیوم مشترک) توجه کنیم. برخی کشورهای منطقه

معتقدند که این سناریو از یک سو شفافیت برنامه هسته‌ای ایران را افزایش و مانع رسیدن ایران به غنی‌سازی سطح بالا می‌شود و از سوی دیگر، می‌تواند منبع سوختی برای راکتورهای هسته‌ای کشورهای منطقه باشد.

بررسی این مسائل از دیدگاه موسویان هدیه بی‌همتایی است که به ما اعطا شده است؛ هدیه‌ای که درک بیشتر آن فرصت ارزشمندی نصیب ما می‌کند تا از مذاکرات جاری نتیجه بهتری به دست آوریم.

ایالات متحده و ایران نقش مهمی در آینده خلیج فارس بازی خواهند کرد. درک شفاف از آنچه در جریان است، از سوی دوستان و متحدان ما ضروری است. بسیاری از آنها نگران هستند که برقراری رابطه با ایران تا حدودی نشانه‌ای است از اینکه امریکا بازگشت توازن محتاطانه‌ای در منطقه را در سر می‌پروراند. آنها اختلاف و مسائل زیادی با ایران دارند که برخی در زمینه مذهبی و برخی در زمینه تاریخی است. در واقع، ایالات متحده نمی‌خواهد یا نمی‌تواند توازن‌های اساسی منطقه را تغییر دهد و این روزها منطقه خود چالش‌های متعددی را در همین رابطه پیش روی ما نهاده است که تغییرات در مصر و سوریه تنها بخش اندکی از آن است.

هدف فوری در رابطه با ایران این است که از بروز یک تهدید اتمی در منطقه و آغاز یک مسابقه بالقوه تسلیحات اتمی جلوگیری کنیم؛ زیرا چنین حادثه‌ای ممکن است منطقه را به خطر بیندازد. یک توافق محکم با ایران که به‌دقت پایش شود و محدوده آن مشخص باشد و به برنامه اتمی غیرنظامی احترام بگذارد، می‌تواند یک مدل باشد و نه یک تهدید و در واقع بیان‌کننده نوعی پیشرفت است و نه گسیخت. چنین مدلی می‌تواند روابط آینده را داخل منطقه توسط حکومت‌ها و مردم تعیین کند. سازمان‌هایی که از گذشته نقشی در میان آنها داشته‌اند، می‌توانند در آینده نیز همین نقش را در روابط خود بازی کنند.

ایالات متحده باید از آینده‌ای صلح‌آمیز، متوازن و متصفانه در خاورمیانه حمایت کند و من مطمئنم چنین خواهد کرد. چنین عملی در راستای منافع ملی ماست و بدیهی است همچنین خواست کسانی است که در منطقه زندگی

می‌کنند. اگرچه کلمات در دستیابی به چنین ترتیباتی مهم هستند، ولی اقدام عملی اهمیت اساسی‌تری دارد.

اقدامات صحیح و درست می‌تواند شرایط را برای رفع عدم اعتماد و ایجاد مانع بر سر بی‌اعتمادی آماده کند. در صورتی که به پرسش‌های اتمی پاسخ داده شود، در را به سوی امکان‌پذیرتر شدن توافق بر سر مسائل بسیاری خواهد گشود. مسائلی وجود دارد که همچنان ما را از هم جدا می‌کند و مسائلی چون افغانستان، عراق و حتی سوریه که منافع مشترک در منافع ملی دو طرف دارد. البته بحث دربارهٔ چنین چیزی بالاتر از ظرفیت کتاب حاضر است، ولی حکایت از مفیدبودن وجود چنین دیدگاه‌هایی دارد.

از اینکه فرصت نوشتن این مقدمه را داشته‌ام، بسیار سپاسگزارم.

توماس پیکرینگ^۱

۱. توماس پیکرینگ (Thomas Pickering) سفیر سابق آمریکا در کشورهای متعددی از جمله روسیه و هند و نمایندهٔ آمریکا در سازمان ملل بوده است. وی عالی‌ترین نشان تاریخ سیاست آمریکا را دریافت کرده است.